

تبلیغ فحانواؤ

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال اول - شماره اول

پاییز و زمستان ۱۴۰۱

خدمت به مردم و مراقبت از ارزش‌های دینی آنان در سیره شهدا

حجت‌الاسلام والمسلمین رضا آبیاری*

مقدمه

خدمت به مردم و مراقبت از ارزش‌های دینی آنان در جامعه، از موضوعات مهم و بایسته امروز ماست و بسیار شایسته و بجاست که خانواده‌ها نیز به آن‌ها توجه ویژه داشته باشند. انسان در آموزه‌های دینی، مقام خلیفه‌اللهی دارد و خدمت به او، مقدمه قرب الهی و عبادت است؛ از این روست که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الْبِرِّ شَيْءٌ إِلَّا إِيمَانٌ بِاللَّهِ وَالتَّنُّعُ لِعِبَادِ اللَّهِ»^۱ دو کار است که هیچ کار خوبی بالاتر از آن دو نیست: ایمان به خدا و سود رساندن به بندگان خدا. آن حضرت در روایت دیگری فرموده است: «إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالتَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ»^۲ با منزلت‌ترین مردم نزد خداوند در روز قیامت، کسی است که در راه خیرخواهی برای خلق او بیش از دیگران قدم بردارد. خدمت به مردم و خیرخواهی و دغدغه‌مندی نسبت به حفظ ارزش‌های دینی آنان در جامعه، از مسلمات اخلاق اجتماعی اسلامی است. واکاوی سیره شهدای هشت سال دفاع مقدس گویای آن است که ویژگی‌های برجسته اخلاقی در سیره آن پیشگامان عرصه جهاد و شهادت برجسته و نمایان بود.

اهمیت خدمت‌رسانی

بنا بر آموزه‌های دینی، خدمت به مردم وظیفه هر فرد مسلمان و جزء برنامه‌های اصلی پیامبران است؛ از این رو در قرآن به خدمت و خدمت‌افزایی تأکید شده است: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا

* کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی. پژوهشگر سبک زندگی شهیدان.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۳۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸.

مِمَّا تُحِبُّونَ؛^۱ هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی‌رسید، مگر اینکه از آنچه دوست دارد، در راه خدا انفاق کنید». خداوند متعال چهار نوبت با صراحت بیان کرده است: «وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۲ و نیکی کنید که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد». پروردگار متعال در چهار آیه دیگر تأکید کرده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»^۳ همانا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند».

در روایات نیز به خدمت‌رسانی تأکید شده است؛ چنانکه پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ؛ محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند، کسانی هستند که برای بندگان خدا سودمندتر باشند». آن حضرت در روایت دیگری فرموده است: «دَخَلَ عَبْدُ الْجَنَّةِ بَعْضٌ مِنْ شَوْكٍ كَانَ عَلَى طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَأَمَاطَهُ عَنْهُ؛^۴ بنده‌ای از بندگان خدا در اثر اینکه شاخه خاری را از سر راه مسلمانان برداشت، اهل بهشت شد». امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِي التَّوَاصُلِ وَ التَّعَاوُنُ عَلَى التَّعَاطُفِ وَ الْمَوَاسَاةُ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَ تَعَاطُفُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ»^۵ مسلمانان موظفند در راه پیوستگی و کمک نسبت به نیازمندان، کوشا و جدی باشند؛ از عواطف اخلاقی و کمک‌های مالی مضایقه نکنند و به هنگام گرفتاری و نیاز، یار و یاور هم باشند».

گستره خدمت‌رسانی

خدمت‌رسانی ابعاد و گونه‌های متعددی دارد. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی می‌نویسد:

کمک‌های مردمی در فرهنگ اسلام، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. نه تنها کمک به نیازمندان، بلکه هر گونه کمک به کارهای خیر و فعالیت‌های مثبت اجتماعی اعم از ساختن مدرسه، درمانگاه، جاده، مراکز فرهنگی، مساجد و مانند آن‌ها به عنوان «انفاق فی سبیل الله» در این مفهوم درج است؛ همه از بهترین اعمال محسوب

۱. آل عمران: ۹۲.

۲. بقره: ۱۹۵.

۳. توبه: ۱۲۰.

۴. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۹.

۵. محمد بن علی صدوق، النخصال، ج ۱، ص ۳۲.

۶. محمدباقر مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول صلی الله علیه و آله، ج ۹، ص ۴۹.

می‌شود و سرچشمه انواع برکات و آثار معنوی و مادی در دنیا و آخرت است.^۱ در این میان خدمت و کمک به مستمندان از اهمیت بیشتری برخوردار است، از همین روست که اهل بیت علیهم‌السلام به این قشر بیشتر توجه داشتند؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است:

مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ إِبْرَادُ الْكِبَادِ الْحَارَّةِ وَ إِشْبَاعُ الْكِبَادِ الْجَائِعَةِ وَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يُؤْمِنُ بِي عَبْدٌ يَبِيْتُ شُبْعَانَ وَ أَخُوهُ أَوْ قَالَ جَارُهُ الْمُسْلِمِ جَائِعٌ؛^۲ از بهترین اعمال، خنک کردن جگرهای سوزان (سیراب کردن تشنگان) و سیر کردن شکم‌های گرسنه است. سوگند به کسی که جان محمد در دست قدرت اوست، کسی که سیر بخوابد و همسایه یا برادر مسلمانش گرسنه باشد به من ایمان نیاورده است.

خدمت به بندگان خدا نه تنها مورد توجه پیشوایان دینی و بزرگان بوده است؛ بلکه آنان خود نیز برای این انجام امر پیش قدم بودند. هشام بن سالم می‌گوید:

امام صادق علیه‌السلام وقتی پاسی از شب می‌گذشت، کیسه‌هایی را برمی‌داشت که در آن نان و گوشت و درهم‌ها بود. سپس آن را بر دوشش حمل می‌کرد و نزد نیازمندان مدینه می‌برد و آن را بین ایشان تقسیم می‌کرد؛ در حالی که آنان حضرت را نمی‌شناختند (گویا تاریکی شب و یا بسته بودن صورت حضرت مانع می‌شد). هنگامی که امام صادق علیه‌السلام از دنیا رفت، آن گاه متوجه شدند که فرد کمک‌کننده، امام صادق علیه‌السلام بوده است.^۳

امام باقر علیه‌السلام نیز به نیازمندان صدقه می‌داد و نیکی به یاران و اصحاب را فراموش نمی‌کرد. حسن بن کثیر می‌گوید:

نزد امام باقر علیه‌السلام از جفای دوستان و برآورده نکردن حاجات شکایت کردم. حضرت فرمود: «بِئْسَ الْأَخُّ أَخٌ يَرْعَاكَ غَنِيًّا وَ يَقْطَعُكَ فَقِيرًا؛^۴ بد برادری است؛ برادری که در حال پولداری مراعاتت کند و در حال فقر و نداری (تو) با تو قطع رابطه کند». سپس به غلامش دستور داد کیسه‌ای به مبلغ هفتصد درهم به من داد و فرمود: «فَأَدَا نَفْسَتَ فَأَغْلِنِي؛ هر گاه تمام کردی، به من خبر بده».

۱. ناصر مکارم شیرازی، اسلام و کمک‌های مردمی، ص ۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۶۹.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۸.

۴. محمد بن محمد مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۶۶.

امام علی علیه السلام نیز به کارگزاران خود توصیه می‌کرد که به فقیران و محرومان کمک کنند:

ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ، مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزَّمْنَى، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًا، وَاحْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ...^۱؛ پس از خدا بترس، از خدا بترس درباره دسته زیردستان در مانده بیچاره و بی چیز و نیازمند و گرفتار در سختی و رنجوری و ناتوانی؛ زیرا در این طبقه هم خواهنده است که ذلت و بیچارگی اش را اظهار می‌کند و هم کسی است که به عطاء و بخشش نیازمند است، ولی (از عفت نفس) اظهار نمی‌کند و برای رضای خدا آنچه را که از حق خود درباره ایشان به تو امر فرموده است، به جای آور و قسمتی از بیت المال را برای ایشان قرار ده ...

دانی که خدا چرا تو را داده دو دست؟ من معتقدم که اندر آن سزای هست

یک دست به کار خویشتن پرداختن با دست دگر ز بی کسان گیری دست^۲

مادر شهید محمدحسن فایده^۳ می‌گوید:

مقابل منزل ما زنی پیر و تنها زندگی می‌کرد که روزگار را به خاطر فقر زیادی که داشت، به سختی می‌گذارند. گاهی که محمدحسن از خرید برمی‌گشت، می‌دیدم برخی از اجناس کمتر از مقداری است که سفارش داده‌ام. علت را که از محمدحسن سوال می‌کردم، می‌گفت: «با صغری خانم تقسیم کردیم. بنده خدا نیازمند است و باید به فکر او هم باشیم». وقتی هم می‌گفتم شاید مهمانی برسد و خودمان احتیاج داشته باشیم، می‌گفت: «میهمان روزی اش را با خودش می‌آورد، شما نگران نباش»^۴.

همرزم شهید نیز در وصف مردمداری او می‌گوید:

محمدحسن تعدادی خانواده را در حومه شهر بیرجند شناسایی کرده بود و معمولاً هر روز به آن‌ها سر می‌زد. آن روز مرا به منزل نیمه ویرانی برد. پیرزن قد خمیده‌ای به

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغة، تصحیح صبحی صالح، ص ۴۳۹.

۲. علیرضا صابری یزدی، نداهای عاطفی، ص ۲۴۶.

۳. سردار شهید محمدحسن فایده، فرمانده گردان لشکر خراسان.

۴. خدیجه ابول اولاء، افلاکیان، ص ۶۳.

خدمت به مردم و مراقبت از ارزش‌های دینی آنان در سیره شهدا ■ ۱۰۳

استقبال ما آمد. در گوشه ویرانه، مرد کهن‌سالی از درد به خود می‌پیچید. پیرزن با عجز خاصی گفت: «مدتی است کسی دیگر به ما سر نمی‌زند و همسرم مدت‌هاست که بیمار است». شهید فایده بلافاصله به دنبال ماشین رفت. مرد بیمار را به بیمارستان بردیم و بعد از معالجه و تهیه دارو، او را به منزلش برگرداندیم. آن شب پیرزن تا لحظه خداحافظی برای ما دعا می‌کرد.^۱

هم‌رمز شهید حجة الاسلام محمد شهاب^۲ نیز می‌گوید:

در شب‌های ماه مبارک رمضان، آقای شهاب به اتفاق شهید رحیمی به صورت ناشناس غذای آماده را بین مناطق مستضعف‌نشین شهر توزیع می‌کردند. ایشان حتی برای آن دسته از خانواده‌هایی که یخچال نداشتند، یخ تهیه می‌کردند تا در وقت افطار و سحر، آب خنک داشته باشند. برخی اوقات با چندین نفر از دوستان و همکاران صحبت می‌کرد تا هزینه گوسفند فراهم شود. می‌گفت: «مردم پایین شهر توان تهیه گوشت ندارند». گوشت‌ها را بسته‌بندی می‌کرد و همراه دیگر اقلام ضروری به فقرا می‌داد. همیشه هم تأکید می‌کرد که اسمی از من برده نشود.^۳

هم‌دردی و همانندی با تهیدستان

بررسی سیره اجتماعی رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که آن حضرت همواره اصحاب و اطرافیان خود را به نزدیک شدن و دوستی با مردم به‌ویژه مستضعفان توصیه می‌کرد. سلمان فارسی در این باره می‌گوید:

أَوْصَانِي خَلِيلِي بِسَبْعَةِ خِصَالٍ لَا أَدْعُهُنَّ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ؛ أَوْصَانِي أَنْ أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ دُونِي وَلَا أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقِي وَأَنْ أُحِبَّ الْفُقَرَاءَ وَأَذْنُوَ مِنْهُمْ وَ...؛^۴ خلیل من، پیامبر خدا ﷺ مرا به هفت خصلت سفارش فرموده است که در هیچ حال آن‌ها را رها نمی‌کنم. سفارش فرموده است: به آن کس بنگرم که از من پایین‌تر است، نه به آن کس که از من برتر است (منظور در امور مادی است) و اینکه فقرا و مستمندان را دوست

۱. همان، ص ۲۷۱.

۲. شهید حجة الاسلام محمد شهاب، از فرماندهان لشکر خراسان.

۳. خدیجه ابول‌اولا، افلاکیان، ص ۲۲.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۲۹.

بدارم، به فقرا و مستمندان نزدیک شوم (و از حال آن‌ها جويا شوم).
 سیره و سلوک رسول خدا ﷺ در ارتباط با مردم، مثال‌زدنی است. ایشان در غم و شادی مردم در کنار آن‌ها بود و در راه کمک به آن‌ها، شخصیت و جایگاه خود را در نظر نمی‌گرفت. مانند مردم فقیر جامعه خود لباس بر تن می‌کرد و همانند آن‌ها غذا می‌خورد. سیره شهدای عزیز هشت سال دفاع مقدس، بیانگر الگوگیری آنان از سلوک اجتماعی پیامبر ﷺ است. پدر شهید عباس بابایی^۱ در مورد همانندی شهید با بچه‌های فقیر می‌گوید:

عباس در مدرسه‌ای درس می‌خواند که برادرزمنم، ناظم آن مدرسه بود. يك روز با ناراحتی آمد منزل ما و گفت: «حاج اسماعیل! چرا با آبروی ما و خودتان بازی می‌کنید؟ این قدر به سر و وضع این بچه نرسیدید که امروز اسمش را در لیست دانش‌آموزان فقیر زدند». دستش را گرفتم و بردم سر کمد عباس. درب کمد را باز کردم و ردیف لباس‌ها و کت و شلوارها را نشانش دادم؛ بعد هم با دلخوری گفتم: «تو دیگه چرا این حرف را می‌زنی؟ واقعا فکر می‌کنی من برای عباس کم می‌گذارم؟ عباس خودش می‌گوید من لباس نو نمی‌پوشم. وقتی هم دلیلش را می‌پرسم، می‌گوید در مدرسه ما بچه فقیر زیاد است؛ از آن‌ها خجالت می‌کشم. نمی‌خواهم جلوی من احساس نداری کنند.^۲

سرایدار آن مدرسه نیز از فروتنی و خدمت به مردم شهید بابایی می‌گوید:

کمر درد داشتم و نمی‌توانستم کارهای مدرسه را به خوبی انجام دهم تا اینکه مدیر مدرسه جلوی دانش‌آموزان به من توهین کرد و بابت نامرتب بودن بخش‌های مختلف، توبیخ شدم. او گفت: «اگر بخواهی اینطور کار کنی، باید از این مدرسه بروی». آن شب تا صبح به حرف‌های مدیر مدرسه فکر می‌کردم و اینکه اگر مرا از مدرسه اخراج کنند، توان هیچ کاری ندارم. چون در خانه مدرسه هم زندگی می‌کردیم، در صورت اخراج، خانه سرایداری را هم از ما می‌گرفتند. فردا صبح وقتی به مدرسه رفتم، دیدم حیاط و همه کلاس‌ها مثل دسته گل تمیز شده است؛ حتی از خودم بهتر تمیز کرده‌اند. منبع آب مدرسه هم پر شده است. این قضیه هر روز داشت تکرار می‌شد و هر بار خواستیم متوجه شویم، دیرتر از آن شخص می‌رسیدیم. يك شب به هر زحمتی بود،

۱. فرمانده عملیات نیروی هوایی ارتش.

۲. محمدعلی صمدی، علمدار آسمان، ص ۲۳.

بیدار ماندم تا آن شخص را شناسایی کنم. صبح علی‌الطلوع پسر بچه‌ای از دیوار وارد مدرسه شد، جارو و شلنگ آب را برداشت و شروع به نظافت کرد. خودم را آرام و بی‌سروصدا رساندم بالای سرش. از دانش‌آموزان مدرسه خودمان بود. گفتم: «پسرم، اسمت چیه؟ اینجا چکار می‌کنی؟». گفت: «عباس بابایی». گفتم: «این کارها را چرا انجام دادی؟ آخه...». پرید توی حرفم و گفت: «من به شما کمک می‌کنم تا خدا هم به من کمک کنه». با کاری که عباس در آن چند روز انجام داد، من پیش مدیر سربلند شدم و باعث شد کارم را از دست ندهم.^۱

دغدغه‌مندی نسبت به حفظ ارزش‌های دینی

مراقبت از ارزش‌های دینی جامعه، همواره از اهداف قیام معصومین علیهم‌السلام و از توصیه‌های جدی آنان بوده است. این مراقبت و دغدغه‌مندی در قرآن کریم، با عنوان فریضه امر به معروف و نهی از منکر شناخته می‌شود: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آن‌ها همان رستگارانند». امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به واسطه انجام این واجب اجتماعی، بهترین امت خوانده شده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۳ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید».

غیرت دینی و توجه به حفظ ارزش‌های دینی مردم در جامعه، از مهم‌ترین جلوه‌های زندگی شهداست. یکی از هم‌زمان شهید محمد گرامی^۴ می‌گوید:

شهید محمد برای کاهش مسئله بدحجابی و حفظ ارزش‌ها، کانون تبلیغ و نشر حجاب راه‌اندازی کرده بود. آن روز افراد دغدغه‌مند را دور هم جمع کرد و گفت: «نباید بگذاریم ارزش‌ها را مسخره کنند. بایستی با برنامه‌های معنوی و فرهنگی بتوانیم حجاب را نهادینه کنیم». ایشان از همه افراد خواسته بود که حتی المقدور در انجام کارها و فعالیت‌ها با وضو باشند. اجرای طرح‌ها به اندازه‌ای خوب و مؤثر انجام گرفته

۱. همان، ص ۲۴.

۲. آل‌عمران: ۱۰۴؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۵.

۳. آل‌عمران: ۱۱۰.

۴. سردار شهید محمد گرامی از فرماندهان لشکر ۴۱ ثارالله کرمان.

بود که دادستان شهر هم اعلام رضایت کرده بود و تأثیر چشمگیری در فضای شهر داشت.^۱

بی‌اعتنا نبودن به گناه و پیشگیری از ترویج ناهنجاری‌ها در فضای عمومی جامعه، از وظایف هر مسلمانی است؛ رسالتی که شهیدان آن را سرلوحه اعمال خود قرار می‌دادند و با شجاعت به آن اهتمام داشتند. یکی از دوستان شهید جلال افشار^۲ می‌گوید:

صدای آهنگ مبتدلی که راننده اتوبوس گذاشته بود، جلال را اذیت می‌کرد. کسی هم تذکر نمی‌داد تا اینکه جلال از راننده خواست صدای آهنگ را کم و یا خاموش کند، اما راننده نه تنها اعتنایی نکرد؛ بلکه به جلال گفت: «اگر ناراحتی، می‌توانی پیاده شوی». جلال هم در جواب راننده گفت: «اگر صدای نوار را کم نکنی، پیاده می‌شوم». به محض اینکه حرف جلال تمام شد، راننده زد روی ترمز و ایستاد. جلال هم بی‌درنگ پیاده شد و شروع کرد به راه رفتن؛ اما چند لحظه بعد راننده ایستاد، دنده عقب گرفت، نوار را هم خاموش کرد و از جلال خواست تا سوار شود. اخلاص و سبک تذکر دادن جلال این قدر خوب بود که راننده را مجاب کرد، حرف جلال را گوش کند.^۳

بخش زیادی از ارزشمندی سیره شهیدان، به خاطر داشتن روحیه مسئولیت‌پذیری آنهاست. بی‌خیال نبودن نسبت به مردم و به‌ویژه جوانان، از ظرافت‌های اخلاق اجتماعی شهدای عزیز ما بود. نگرانی برای جوانان و بی‌اعتنا نبودن نسبت به اشتباهات و کجروی‌های آنها، مهم‌ترین پیام سیره شهیدان در اجرای امر به معروف و نهی از منکر است. بی‌از هم‌زمان شهید خلیل مطهرنیا^۴ در مورد حساسیت و دغدغه این شهید نسبت به انحراف جوانان می‌گوید:

اوج جنگ بود و خلیل به عنوان فرمانده طرح و عملیات لشکر، گرفتاری‌ها و مشغله زیادی داشت؛ اما وقتی متوجه شد تعدادی از جوانان محل تا مرز انحراف و کارهای خلاف پیش رفتند، از من کاغذ و قلم خواست و شروع کرد برای آنها نامه نوشت. کلماتی سرشار از عشق رزمنده‌ها و امام به جوانان. از اهمیت دوستی و ارزش‌های اخلاقی نوشت و اینکه دوست واقعی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد. در پایان هم

۱. احمد مؤمنی‌راد، اینگونه بودند مردان مرد، ص ۳۵.

۲. سردار جلال افشار از فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین (ع) اصفهان.

۳. مریم زینلی، راز گل سرخ، ص ۱۵.

۴. سردار شهید خلیل مطهرنیا، فرمانده طرح و عملیات لشکر المهدی (ع) فارس.

آن‌ها را دعوت کرد به جبهه بیایند و با خلیل باشند. بعد هم نامه را به من داد و گفت: «برو جهرم^۱ و تا نتیجه نگرفتی، برنگرد». وقتی به جهرم رسیدم، آن چند نفر را پیدا کردم و نامه را تحویلشان دادم و گفتم: «خلیل سلام رسانده و گفته جواب نامه را هم بنویسید». دغدغه‌مندی خلیل آنچنان با آداب و حساب شده بود که آن افراد فردای آن روز پیش من آمدند و از من خواستند تا آن‌ها را با خودم به جبهه ببرم. پس از مدتی، همان چند نفر تبدیل به زنگ‌ترین بچه‌های گردان شده بودند و برخی از آن‌ها مسئولیت هم گرفتند.^۲

یکی از هم‌زمان شهید علی ماهانی می‌گوید:

در مقطعی، برخی از رزمنده‌های گردان به صورت منظم در نماز جماعت و جلسات قرآن و دعا شرکت نمی‌کردند. برخی اصلاً نمی‌آمدند و بعضی دیگر با تأخیر در نماز جماعت حاضر می‌شدند. با اینکه علی‌آقا می‌توانست به عنوان مسئول و فرمانده دستور بدهد و همه را اجبار کند، اما روش دیگری پیشه کرد. ایشان وقت نماز که می‌شد، آستین‌هایش را بالا می‌زد و در حضور همه، قدم‌زنان برای وضو می‌رفت و با این حرکت به همه اعلام می‌کرد که وقت نماز است. رزمنده‌ها هم پیام ایشان را گرفته بودند و متوجه منظور او بودند؛ به همین خاطر بعد از مدتی افرادی که به اذان کم توجه بودند، وقتی می‌دیدند فرمانده با این همه مشغله، کارهای خودش را رها می‌کند و به نماز اول وقت توجه دارد، وضو می‌گرفتند و در نمازخانه حاضر می‌شدند.^۳

فهرست منابع

۱. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲. ابول‌اولا، خدیجه، افلاکیان، چاپ اول، مشهد: کنگره سرداران شهید استان خراسان، ۱۳۸۱ش.
۳. آبیاری، رضا، دوقلوهای جنگ، قم: مؤسسه فرهنگی هنری مطاق عشق، ۱۳۹۹ش.

۱. شهید خلیل مطهرنیا، اهل جهرم بود و مرقد مطهرش هم در آنجاست.

۲. رضا آبیاری، دوقلوهای جنگ، ص ۲۱.

۳. رضا آبیاری، ظرافتی‌های اخلاقی شهیدان، ص ۱۷.

۴. _____، ظرافت‌های اخلاقی شهیدان، چاپ اول، قم: دفتر نشر عقل، ۱۳۸۹ش.
۵. زینلی، مریم، راز گل سرخ، چاپ اول، اصفهان: پویان مهر، ۱۳۸۳ش.
۶. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۷. صابری یزدی، علیرضا، ندهای عاطفی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات، ۱۳۷۰ش.
۸. صدوق، محمد بن علی، الخصال، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۹. صمدی، محمدعلی، علمدار آسمان، چاپ اول، تهران: پیام فاطمیون، ۱۳۸۴ش.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۲. _____، مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۱۳. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تصحیح مؤسسه آل‌البتیة، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ش.
۱۵. _____، اسلام و کمک‌های مردمی، چاپ اول، قم: نسل جوان، ۱۳۸۳ش.
۱۶. مؤمنی‌راد، احمد، اینگونه بودند مردان مرد، چاپ اول، تهران: لوح محفوظ، ۱۳۸۴ش.